

جهان در انتظار بانکداری و مالیه اسلامی مدرن

منبع: ماهنامه تخصصی IMF
نویسنده: محمدالقریشی
مترجم: سیدحسین علوی لنگرودی

صنعت بانکداری و مالیه اسلامی، هم با فرصت‌های بی‌نظیری روبروست و هم با چالش‌های مقرراتی جدی و حساس.

بانکداری و مالیه اسلامی، با سرعت چشمگیری در حال رشد و نمو است. از زمان پیدایش این صنعت در سه دهه قبل، تعداد موسسات مالی اسلامی در سرتاسر جهان، از یک عدد در سال ۱۹۷۵، به بیش از ۳۰۰ عدد در حال حاضر افزایش یافته است، به گونه‌ای که هم‌اکنون در بیش از ۷۵ کشور اسلامی و غیراسلامی، شاهد فعالیت جدی بانک‌ها و موسسات مالی اسلامی هستیم. بسیاری از این بانک‌ها و موسسات مالی، در دو منطقه خاورمیانه و آسیای جنوب شرقی متمرکز شده‌اند. در این دو منطقه، بحرین و مالزی به عنوان کانون‌های بانکداری و مالیه اسلامی، مشغول فعالیت هستند. علاوه بر این دو منطقه، در اروپا و آمریکا نیز فعالیت‌های فزاینده‌ای در حوزه بانکداری اسلامی در حال شکل‌گیری است. هم‌اکنون، میزان کل دارایی‌های صنعت بانکداری اسلامی در سراسر جهان، نزدیک به ۲۵۰ میلیارد دلار تخمین زده

که می‌خواهند، استفاده کنند، از جمله برای مبادله کالاها یا دارایی‌ها، سرمایه‌گذاری در شرکت‌ها و غیره. البته بانک‌ها فقط می‌توانند این سرمایه‌ها را در قالب سرمایه‌های متعلق به سهامداران خود مانند دارایی با ذخایر عام، در جاهای مختلف سرمایه‌گذاری کنند.

جالب اینجاست که اگر یک بانک سنتی از سرمایه سپرده‌گذاران برای تجارت یا اهداف سرمایه‌گذاری استفاده کند، شرایط و مواد مندرج در مجوز فعالیت خود را نقض کرده است، چون که چنین اقدامی، مستلزم قبول ریسک و خطر است. مساله کلیدی که در اینجا باید بدان توجه داشت، این است که یک بانک سنتی اجازه ندارد از سرمایه‌های تامین‌شده توسط سپرده‌گذاران، برای هیچ هدف دیگری غیر از قرض‌دادن آن به مشتریان دیگر با یک سود ازپیش‌تعیین‌شده استفاده کند.

اما برخلاف بانک‌های سنتی، بانک اسلامی، بنا به مجوزی که از مقامات دریافت می‌دارد، اجازه دارد تا از سرمایه‌های مشتریان خود با هدف مبادله کالا و دارایی‌ها، اجاره، سرمایه‌گذاری و سایر فعالیت‌های تجاری استفاده کند و البته تمام این فعالیت‌ها هم می‌بایستی منطبق با اصول شریعت اسلام صورت پذیرد.

یک بانک اسلامی اجازه ندارد که سرمایه‌هایی را از افراد و موسسات دیگر با یک نرخ سود ازپیش‌تعیین‌شده دریافت کند یا سود ازپیش‌تعیین‌شده‌ای را به آنها پرداخت نماید و اگر چنین کند، از مندرجات مجوز فعالیت خود تخطی کرده است.

پس بی‌دلیل نیست که رییس هیات دینی ناظر بر فعالیت‌های بانک اسلامی دبی معتقد است که بانک‌های سنتی و بانک‌های اسلامی فقط در یک چیز با هم مشترک هستند و آن هم داشتن عنوان "بانک" است و معنای آن هم عبارتست از "دارابودن مجوز برای گرفتن سپرده و دادن پول".

اما چگونه می‌توان بانکداری اسلامی را در یک طبقه یا مقوله جداگانه دسته‌بندی کرد؟ محققان، پاسخ این سوال را با یک قیاس جالب و زیبا بیان می‌کنند. آنان بانک اسلامی را به مثابه یک "بازرگان" می‌دانند.

خواننده گرامی:

ما را از پیشنهادها و نظریات خود بهره‌مند کنید.

در حال حاضر، میزان کل دارایی‌های صنعت بانکداری اسلامی در سراسر جهان، نزدیک به ۲۵۰ میلیارد دلار تخمین زده می‌شود و هرساله ۱۵ درصد هم افزایش می‌یابد.

می‌شود و این میزان در هر سال، معادل ۱۵ درصد افزایش می‌یابد.

محصولات و خدمات مالی اسلامی، آن دسته از سرمایه‌گذاران را هدف قرار می‌دهند که خواهان رعایت‌کردن اصول و قوانین اسلامی (شریعت) در فعالیت‌های مالی و بانکی هستند. براساس قوانین اسلام، پرداخت و دریافت بهره در کلیه فعالیت‌های اقتصادی و بانکی ممنوع می‌باشد و این ممنوعیت، غیر از ممنوعیت مسلمانان برای مشارکت در معاملات حرامی چون خریدوفروش الکل، قمار و گوشت خوک می‌باشد.

هم‌اکنون موسسات مالی اسلامی، در حال ارائه خدمات مالی و بانکی بسیار متنوعی هستند که معمولاً تقاضای زیادی نیز برای آنها وجود دارد، از جمله انتقال سرمایه، خدمات پرداختی، تسعیر ارز، مدیریت ریسک و تامین مالی. کلیه این فعالیت‌ها هم کاملاً با اصول شریعت اسلام، هماهنگ و منطبق هستند و از هرگونه شایبه "ربوی‌بودن" در امان می‌باشند.

اما سوال اینجاست که ریشه‌ها و دلایل رشد بی‌سابقه و چشمگیر صنعت بانکداری و مالیه اسلامی کدامند؟

دلیل اول، برمی‌گردد به وجود تقاضای فزاینده از سوی مسلمانان - چه در کشورهای اسلامی و چه از سوی مسلمانان ساکن در کشورهای غیراسلامی - برای برخورداری از خدمات مالی اسلامی. مسلمانان، بنابه اعتقادات مذهبی و دینی خود، تمایل زیادی به استفاده از محصولات بانکی اسلامی که به عقیده آنها "غیرربوی" هستند، دارند و لذا حتی اگر در کشورهای غیرمسلمان و با نظام بانکی سنتی و مبتنی بر بهره‌زندی کنند، باز هم خواهان برخورداری از خدمات بانکی و مالی اسلامی خواهند بود. از سویی دیگر، کم‌هزینه‌بودن برخی از خدمات مالی اسلامی هم نه فقط مسلمانان، بلکه غیرمسلمانان را نیز به این سیستم علاقمند ساخته است.

با وجود رشد سریع این صنعت در بسیاری از نقاط جهان، هنوز هم شاهد این مساله هستیم که گسترش و فراگیری بانکداری اسلامی در برخی کشورها، بسیار محدود و غیرقابل مقایسه با بانکداری سنتی است. برای حل این مشکل و نقش‌آفرینی پررنگتر این صنعت در کل جهان، سیاستگذاران صنعت بانکداری اسلامی، به‌ویژه در کشورهای خاورمیانه، می‌بایستی آستین‌ها را بالا بزنند و موانع موجود بر سر راه گسترش هرچه بیشتر این صنعت را مرتفع سازند. یکی از موانع اصلی و عمده در این میان هم محدودیت‌های مقرراتی در حوزه بانکداری اسلامی و فقدان استانداردهای مدون در این صنعت می‌باشد. لازمه اعتمادآفرینی در میان سرمایه‌گذاران و توسعه بانکداری و مالیه اسلامی در آینده، تدوین استانداردها و مقررات مشخص و هدف‌دار و جلوگیری از بروز بحران‌های مالی و

اختلاس‌های گسترده، شبیه آنچه در سیستم بانکی سنتی روی می‌دهد، می‌باشد.

فاینانس اسلامی چیست؟

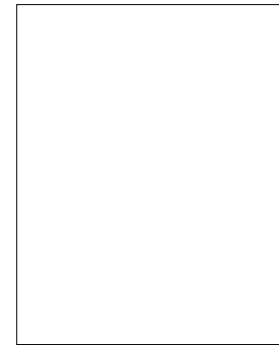
این که شریعت اسلام، پرداخت و دریافت بهره را ممنوع کرده است، بدان معنا نیست که در صنعت بانکداری اسلامی، از سود و نفع اقتصادی در قبال سرمایه‌گذاری و مشارکت در فعالیت‌های اسلامی، خبری نیست. در این صنعت، از تمام طرفین معامله خواسته می‌شود تا در سود و زیان یا منفعت و ریسک مربوط به آن، با هم شریک و سهیم باشند. به عبارت روشن‌تر، سپرده‌گذاران در بانک‌های اسلامی را می‌توان با سهامداران شرکت‌های سهامی که در سود و زیان ناشی از فعالیت‌های شرکت سهیم هستند، مقایسه کرد، جایی که سپرده‌گذاران از طریق سپرده‌های خود در سرمایه‌گذاری‌ها و فعالیت‌های مالی بانک، مشارکت می‌کنند و در سود و زیان این سرمایه‌گذاری‌ها، با بانک شریک می‌شوند. در چنین وضعیتی، هم کیفیت و هم بهره‌وری سرمایه‌گذاری افزایش می‌یابد و هم هدف توزیع برابر و عادلانه ثروت تحقق می‌یابد.

بنابراین، می‌توان گفت که ابزارهای مالی اسلامی، شکلی از قراردادهایی است که بین فراهم‌آورنده سرمایه و استفاده‌کننده از آن برای مدیریت ریسک، منعقد می‌شود. ابزارهای مالی اسلامی در قالب چهار نوع خدمات بانکی در اختیار سپرده‌گذاران قرار می‌گیرند که عبارتند از: حساب‌های جاری، حساب پس‌انداز، حساب سرمایه‌گذاری و سرمایه‌گذاری با اهداف خاص.

روندهای اخیر

کشورهایی که بانکداری اسلامی در آنها به اجرا درآمده است، براساس میزان پوشش و کاربرد این صنعت در آنها، به دسته‌های مختلفی تقسیم‌بندی می‌شوند: در برخی از کشورها کل سیستم بانکی، اسلامی است (مانند ایران و سودان)؛ در برخی دیگر، نظام‌های بانکی اسلامی و سنتی در کنار یکدیگر مشغول فعالیت هستند (مانند مالزی، اندونزی، پاکستان و امارات متحده عربی)؛ و در برخی از کشورها نیز فقط یک یا چند بانک اسلامی وجود دارند و به مسلمانان خدمات‌رسانی می‌نمایند.

روند کنونی حاکم بر کشورهای اسلامی، حول محور تفکیک و جداسازی بانک‌های اسلامی از بانک‌های سنتی شکل گرفته است. با این حال، در برخی از کشورها، از جمله در ایالات متحده آمریکا و اروپا و حتی در برخی از بانک‌های بین‌المللی و چندملیتی، گرایش به ایجاد شعب تخصصی اسلامی یا "دریچه اسلامی" تقویت شده است.



کم‌هزینه‌بودن برخی از خدمات مالی اسلامی، نه فقط مسلمانان، بلکه غیرمسلمانان را نیز به این سیستم علاقمند ساخته است.

لازمه اعتمادآفرینی در میان سرمایه‌گذاران و توسعه بانکداری و مالیه اسلامی در آینده، همانا تدوین استانداردها و مقررات مشخص و هدف‌دار و جلوگیری از بروز بحران‌های مالی و اختلاس‌های گسترده می‌باشد.

مالی را می‌توان در بانک‌ها و موسسات مالی فعال در کشورهای حوزه خلیج فارس و مالزی یافت. حال به این محصولات، عقود اسلامی رایج چون مضاربه، مرابحه، استصناع، اجاره و مشارکت را اضافه کنید، تا دریابید که صنعت بانکداری و مالیه اسلامی، از چه پتانسیل‌های عظیمی برای رشد و توسعه برخوردار است. سرمایه‌گذاری‌های خاص بانک‌های اسلامی که با مشارکت سپرده‌گذاران صورت می‌پذیرد، نزدیک به ۲۵ درصد کل سرمایه‌گذاری‌های اسلامی در دوره زمانی ۱۹۹۷ تا ۲۰۰۳ را به خود اختصاص داده است. علاوه بر این، تعداد صندوق‌های سرمایه‌گذاری اسلامی از هفت عدد در سال ۱۹۹۵، به ۷۱ عدد در سال ۲۰۰۴ افزایش یافته و این امر باعث رشد سریع دارایی‌های اسلامی و دوبرابردن میزان آنها طی این ده سال شده است.

هم‌اکنون برای اجرای بسیاری از پروژه‌های زیربنایی و عظیم در کشورهای اسلامی (و حتی غیراسلامی) از تامین مالی اسلامی به عنوان روشی کم‌خطر و پرسود، استفاده می‌شود. طی سال‌های اخیر، بسیاری از کشورها، به ویژه ایران و سودان، اقدام به انتشار اوراق قرضه دولتی کوتاه‌مدت در قالب عقد اسلامی مشارکت (اوراق مشارکت) به منظور تامین مالی پروژه‌های عظیم عمرانی نموده‌اند.

توسعه بازارهای پولی

تجربه ثابت کرده است که طراحی و ایجاد ابزارهای اسلامی برای عملیات پولی در قالب بازارهای پولی و مالی، امری دشوار و پیچیده است. در کشورهایی که دارای دو نوع نظام بانکی (نظام بانکی اسلامی و نظام بانکی سنتی) هستند، فقدان اوراق بهادار غیرربوبی باعث شده است تا حیطه و قلمرو مدیریت اسلامی بر پول، دچار محدودیت شود. وجود دشواری‌های بسیار در زمینه تعریف دقیق نرخ برگشتی مربوط به ابزارهای پولی و مالی اسلامی و فقدان استانداردها و مقررات مدون در زمینه توسعه پولی و روابط بین بانک‌های اسلامی، همگی دست به دست هم داده‌اند و چالش‌های جدی و غیرقابل‌انکاری را پیش روی گسترش بازارهای مالی - پولی اسلامی در جهان به وجود آورده‌اند.

بدیهی است که گسترش و تقویت این بازارها، نیازمند اتخاذ سیاست‌های پولی نافذ و کارآمد و مهمتر از آن، تعمیق بازارهای مالی اسلامی است. در صورت فقدان یا عدم توسعه این بازارها در کشورهای اسلامی، وظیفه بانک مرکزی این کشورها، سنگین‌تر و نیاز به دخالت نهادهای مالی دولتی در شکل‌دهی محصولات و خدمات مالی اسلامی جدید و کنترل و نظارت بیشتر بر آنها بیشتر احساس خواهد شد. برای حل معضل مدیریت نادرست نقدینگی در برخی از کشورهای اسلامی نیز

بازار سهام و اوراق قرضه اسلامی - در بعد داخلی و خارجی - نیز دارای بالاترین نرخ رشد در میان بخش‌های مختلف مالیه اسلامی است. به عنوان مثال، در مالزی، بازار اوراق قرضه اسلامی، نزدیک به ۴۲ درصد بازار اوراق قرضه این کشور را در سال ۲۰۰۴ به خود اختصاص داد. بازار بین‌المللی اوراق قرضه اسلامی (سکوک) از جمله پررونق‌ترین و شکوفاترین بازارهای مالی جهان طی سالیان اخیر بوده است و یکی از دلایل اصلی این شکوفایی نیز برتری‌های رقابتی قابل‌ملاحظه‌ای است که سکوک در مقایسه با سایر اوراق قرضه سنتی دارد (از جمله کم‌خطر بودن و پربازده بودن آن). و به همین دلیل است که نهاد معتبری چون سازمان پولی - مالی بحرین^(۱) برای اولین بار در سال ۲۰۰۱، اقدام به انتشار سکوک پنجساله‌ای نمود که به پرفروش‌ترین اوراق قرضه سال‌های اخیر منطقه تبدیل گشت.

عرضه سکوک، تنها به کشورهای خاورمیانه یا آسیای جنوب شرقی منحصر نمی‌شود، بلکه کشورهای اروپایی و آمریکا نیز آن را جدی گرفته‌اند. به عنوان مثال، بانک ایالتی ساکسونی - آنهالت^(۲) آلمان، نخستین عرضه‌کننده غیرمسلمان سکوک در جهان بود که در سال ۲۰۰۴ اقدام به انتشار ۲۰۰ میلیون یورو سکوک نمود. اخیراً بانک توسعه اسلامی (IDB) نیز برنامه‌های جامع برای عرضه منظم و بابرنامه سکوک اسلامی موسوم به "سکوک طلایی" در بازارهای عمده سرمایه‌های اسلامی را مورد بررسی و اجرا دارد. تنها ضعف این صنعت نوپا و بسیار شکوفه، در فقدان بازارهای ثانویه برای مبادله این اوراق قرضه ارزشمند می‌باشد که باعث شده تا سکوک خریداری‌شده توسط هر سرمایه‌گذار، تا زمان سررسید، در دست خودش باقی بماند.

در بعد کلان نیز دو شاخص عمده برای معیاربندی و کیفیت‌سنجی سرمایه‌گذاری‌های نهادهای مالی اسلامی شکل گرفته‌اند که عبارتند از شاخص بازار اسلامی داوونز^(۳) در بحرین و شاخص اسلامی سهام فاینانشال تایمز^(۴). با وجود انتشار بین‌المللی این شاخص‌ها در سرتاسر جهان، شاخص‌های سهام اسلامی، همچنان از محدودیت و گمنامی نسبی رنج می‌برند و نقش اندکی را در بازارهای مالی اسلامی ایفا می‌نمایند.

طی سالیان اخیر، بسیاری از موسسات مالی اسلامی، به ویژه در بحرین، مالزی و سودان، اشتیاق زیادی برای توسعه و نوآوری در زمینه ابزارهای مالی اسلامی از خود نشان داده‌اند، به گونه‌ای که محصولات و خدمات مالی نوینی چون بیمه اسلامی (تکفل)، فاینانس شرکتی اسلامی و مدیریت سرمایه اسلامی، طرفداران زیادی را در میان مسلمانان و حتی غیرمسلمانان به‌دست آورده‌اند. مجموعه کاملی از این محصولات و خدمات

■ ■ ■
گسترش و تقویت بازارهای مالی اسلامی، نیازمند اتخاذ سیاست‌های پولی نافذ و کارآمد و مهمتر از آن، تعمیق بازارهای مالی اسلامی است.
■ ■ ■

بین‌المللی^(۷)، مرکز مدیریت نقدینگی^(۸) و سازمان رتبه‌بندی اسلامی بین‌المللی^(۹) اشاره نمود.

در این میان، تعدادی از کشورها و سازمان‌های پولی و بانکی اسلامی هم استانداردهای حسابداری اسلامی منطبق با استانداردهای گزارشگری مالی بین‌المللی را سرلوحه فعالیت‌ها و سیاست‌گذارهای خود قرار داده‌اند.

یکی از اهداف اصلی شکل‌گیری هیات خدمات مالی اسلامی (IFSB) عبارت بوده است از تدوین و توسعه راهکارهای اساسی و جامع برای خدمات‌رسانی شفاف در حوزه بانکداری اسلامی و قاعده‌مندساختن روند مقررات‌بندی و نظارت در این بخش. بدیهی است که در صورت ترکیب‌شدن این فعالیت‌ها با فرایندهای نوین مدیریتی، به ویژه حاکمیت شرکتی^(۱۰) می‌توان نسبت به ایجاد و تقویت کارآمدی، ثبات و همگونی مطلوب در درون جهان مالیه اسلامی امیدوار بود.

یکی از شبهاتی که درباره بانک‌های اسلامی و عملکرد آنها مطرح می‌شود، این است که این بانک‌ها بین فعالیت‌های سرمایه‌گذاری و مدیریت سرمایه‌ای خود از یک سو، و بانکداری تجاری از سوی دیگر، تفکیک قایل نمی‌شوند. از دیدگاه نظارتی و قانونی، بانک‌های اسلامی را می‌توان به نوعی با بانک‌های بین‌المللی و صندوق‌های سرمایه‌گذاری مشترک مقایسه کرد که از بعد مقرراتی و نظارتی، موضوع چالش و اختلاف نظر بوده و به عبارت روشتر، برای قانونگذاران و ناظران عرصه بانکی، تولید دردسر می‌نماید. به عنوان مثال، یک بانک اسلامی که به عنوان "مضارب" در قالب عقد اسلامی مضاربه فعالیت می‌کند، از نظر قانونی، تفاوتی با یک بنگاه مدیریت سرمایه ندارد و بیش از آن که یک بانک باشد، یک صندوق سرمایه‌گذاری مشترک در نظر گرفته می‌شوند و در این حالت، شبیه همان نظارت‌ها و قوانینی که در مورد صندوق‌های سرمایه‌گذاری مشترک اعمال می‌شوند، در مورد بانک‌های اسلامی نیز مصداق پیدا می‌کنند.

به طور کلی، با توجه به حجم قابل توجه ریسک‌های نهفته در فعالیت‌های بانک‌ها و موسسات مالی اسلامی و خاصیت متغیربودن ماهیت قراردادهای منعقدشده توسط آنها، برخی از صاحب‌نظران معتقدند که نظارت و قانونگذاری برای بانک‌ها و موسسات مالی اسلامی، نیازمند دقت و ظرافت بیشتری است و بانک‌های مرکزی کشورها می‌بایستی با دیدی موشکافانه‌تر (در مقایسه با نظارت جاری بر سایر بانک‌های سنتی) و کلی‌تر، عملکرد بانک‌های اسلامی را مورد بررسی و کنترل قرار دهند. این کنترل‌ها در موارد خاصی چون تعریف سرمایه و مهمتر از آن، نسبت کفایت سرمایه بانک‌های اسلامی، باید پرنرنگتر و حساستر باشند.

از سوی دیگر، برخی از کارشناسان عرصه بانکداری و

باید چاره‌ای اندیشید. به عنوان مثال، گسترش مبادلات مالی و پولی بین‌بانکی و تقویت عملیات پولی و سرمایه‌گذاری باعث می‌شود تا موانع موجود بر سر راه شکل‌گیری سیستم جامع مدیریت ریسک اسلامی به تدریج برداشته شوند و بسیاری از مسایل و مشکلات صنعت بانکداری اسلامی در حوزه‌های حسابداری، ممیزی مالی و ابهامات حقوقی برطرف گردند.

مقررات‌بندی و نظارت بر مالیه اسلامی

بدون تردید، یکی از بزرگترین و جدی‌ترین چالش‌های پیش روی صنعت بانکداری و مالیه اسلامی، به توسعه چارچوب مقرراتی و نظارتی جامع برای بانک‌های اسلامی مربوط می‌شود. هم‌اکنون در این مورد، بین کشورهای پیشرو در زمینه بانکداری اسلامی، اختلاف نظر و عقیده وجود دارد. به عنوان مثال، براساس یکی از دو دیدگاه کلی - که مورد قبول قانونگذاران مالزی و یمن هست - بانک‌ها و موسسات مالی اسلامی می‌بایستی تحت قوانین و نظارت‌هایی کاملاً متفاوت با آنچه در مورد بانک‌های سنتی وجود دارد، قرار گیرند. بر این اساس، بانک‌های مرکزی کشورهایی که دارای دو نظام بانکی اسلامی و سنتی هستند، باید مقررات بانکی و کنترلی متفاوتی را برای آنها تدوین کنند و به مرحله اجرا درآورند. براساس دیدگاه دوم، اگرچه فعالیت‌های بانکی و مالی اسلامی، دارای ویژگی‌های منحصربه‌فرد و خاصی هستند، اما قوانین و نظارت‌های اعمال شده بر آنها، نباید هیچ تفاوتی با قوانین و مقرراتی داشته باشد که برای سایر بانک‌ها و موسسات مالی به کار گرفته می‌شوند. بر این اساس، تمام بانک‌ها و موسسات مالی فعال در کشورهای دارای نظام بانکی دوگانه (اسلامی و سنتی) مشمول قوانین و کنترل‌های یکسانی خواهند بود و همگی، بدون هیچ استثنایی، تحت نظارت کامل بانک مرکزی قرار خواهند داشت. بحرین و قطر، از جمله کشورهایی هستند که از دیدگاه دوم، پیروی می‌کنند و بر کلیه بانک‌ها و موسسات مالی فعال خود، نظارت یکسانی را اعمال می‌نمایند.

با این حال، از اواخر دهه ۱۹۹۰ به بعد، صنعت بانکداری اسلامی، گام‌های امیدوارکننده‌ای را جهت استانداردسازی مقررات و نظارت بانکی برداشته است و بانک توسعه اسلامی (IDB) هم نقشی کلیدی را در توسعه استانداردهای مالی و حسابداری بین‌المللی در حوزه بانکداری و مالیه اسلامی ایفا کرده و می‌کند. موسسات و نهادهای بین‌المللی دیگری نیز در فرایند استانداردسازی و همگون‌سازی قوانین و مقررات مالی اسلامی در سطح بین‌المللی فعال هستند که از جمله آنها می‌توان به سازمان حسابداری و حسابرسی موسسات مالی اسلامی^(۵)، هیات خدمات مالی اسلامی^(۶)، بازار مالی اسلامی

بحرین و قطر، از جمله کشورهای هستند که نظارت یکسانی را بر کلیه بانک‌ها و موسسات مالی فعال خود اعمال می‌نمایند.

ویژه ابزارهای بانکی اسلامی و اوراق قرضه اسلامی، دچار محدودیت هستند و تاکنون، هدف ایجاد یک بازار مالی اسلامی بین‌المللی منظم و کارآمد تحقق نیافته است. برای رفع این محدودیت‌ها و کمبودها، می‌بایستی ابزارها و تکنیک‌های مالی جدیدی را به وجود آورد که بانک‌های اسلامی را به سوی تحول و جهانی‌شدن سوق دهند. تنها از طریق همگون‌سازی و استاندارد کردن فعالیت‌ها و رقابتی‌کردن خدمات‌رسانی‌ها در صنعت بانکداری و مالیه اسلامی است که می‌توان به بین‌المللی‌شدن این صنعت امیدوار بود.

به طور خلاصه، حل تمام این مشکلات و موانع و رفع کمبودهای موجود در زمینه نظارت، مقررات‌بندی، گزارشگری مالی، استانداردهای حسابداری و توسعه‌نیافتگی بازارهای مالی اسلامی، در گرو ایجاد تحول و آینده‌نگری در سطح کلان تصمیم‌گیری و سیاستگذاری است. آنچه مسلم است، این که در آینده، صنعت بانکداری اسلامی با چالش‌هایی جدی چون نظارت قانونمند و کلان (در قالب موافقتنامه باسل ۲) و رقابت بین‌المللی با بانک‌های سنتی، روبرو خواهد بود و گذر از آنها هم نیازمند تلاش و کوشش فراوانی است. بخش عمده این تلاش‌ها، می‌بایستی از سوی بانک‌های مرکزی کشورهای اسلامی، از یک سو، و خود بانک‌ها و موسسات مالی اسلامی، از سوی دیگر، صورت پذیرد. برای به‌ثمرنشتن این تلاش‌ها، باید دست به دست هم داد و سیستمی جامع و فراگیر از بانک‌های اسلامی همگون و هماهنگ را شکل داد که قادر باشند علاوه بر رشد و توسعه خود، به گسترش روزافزون صنعت بانکداری و مالیه اسلامی نیز کمک کنند و توسعه اقتصادی و اجتماعی را برای کشورهای اسلامی به ارمغان آورند. این آرمان، در صورتی که در قالب تامین مالی پروژه‌های زیربنایی و ایجاد فرصت‌های شغلی از سوی بانک‌ها صورت پذیرد، دور از دسترس نخواهد بود.

پانوشته‌ها

- 1) Bahrain Monetary Fund.
- 2) Saxony - Anhalt Bank.
- 3) Dow Jones Islamic Market Index.
- 4) Financial Times Stock Exchange Global Index.
- 5) Accounting and Auditing Organization for Islamic Financial Institutions. (AAOIFI)
- 6) Islamic Finance Service Board (IFSB).
- 7) International Islamic Financial Market.
- 8) Liquidity Management Center.
- 9) Islamic International Rating Agency.
- 10) Corporate Governance.

مالیه، بر این مساله پافشاری می‌کنند که در چارچوب مقرراتی بانکداری اسلامی، باید تاکید اصلی را بر کنترل و مدیریت ریسک‌هایی چون ریسک‌های عملیاتی و اعتباری قرار داد. یکی از ریشه‌های قوت‌گرفتن چنین عقیده‌ای بین کارشناسان، برمی‌گردد به ماهیت خاص پروفیل ریسک در بانکداری اسلامی که نشأت‌گرفته از مدل‌های فاینانس PLS (تسهیم در سود و زیان) مخصوص بانکداری و مالیه اسلامی می‌باشند. این مدل ویژه، مملو است از ریسک‌های سرمایه‌گذاری از نوع ریسک عملیاتی که دارای پتانسیل بالایی برای تحت‌تاثیر قراردادن فعالیت بانک‌های اسلامی می‌باشند و به عنوان مثال، می‌توانند شرایطی را به وجود آورند که براساس آن، بانک اسلامی (به عنوان مضارب) نتواند ضرر و زیان ناشی از سرمایه‌گذاری مشترک (مضاربه) را جبران نماید و در نتیجه، این ضرر و زیان را به سپرده‌گذار (رب‌المال) منتقل می‌نماید.

موانع دیگر

علاوه بر توسعه بازارهای پولی اسلامی و گسترش و تعمیق سطح نظارت و مقررات در حوزه بانکداری اسلامی، سیاستگذاران این صنعت، با دو مانع جدی و عمده دیگر نیز روبرو هستند که می‌بایستی برای پشت‌سرگذاشتن آنها چاره‌ای بیندیشند:

۱- **گردآوری اطلاعات:** فقدان اطلاعات جامع و کاربردی در مورد عملکرد بانک‌ها و موسسات مالی اسلامی، باعث شده است تا مقایسه و کیفیت‌سنجی آنها در مقیاس‌های بزرگی چون کشور، منطقه و حتی جهان، تا حدودی غیرممکن شود. فقدان استانداردهای منظم و مدون در حوزه‌هایی چون گزارشگری عمومی و استانداردهای حسابداری نیز بر این امر تاثیرگذار بوده است. متأسفانه، اطلاعات و داده‌های دقیقی در مورد فعالیت‌های برون‌مرزی بانک‌های اسلامی و دادوستدهای مالی آنها با سایر بانک‌های سنتی در کشورهای توسعه‌یافته، وجود نداشته و ندارد. باین حال، از چندی پیش، برخی از بانک‌های مرکزی کشورهای اسلامی، از جمله بحرین، مالزی و ترکیه، در این زمینه پیشگام بوده‌اند و در گزارش‌های سالانه خود، فصل جداگانه‌ای را به تحولات بانکداری و مالیه اسلامی اختصاص داده‌اند و سطح گسترش و توسعه این صنعت را در طول یک سال مشخص نموده‌اند، ولی این فعالیت‌ها به تنهایی و بدون مشارکت و همکاری بانک‌ها و موسسات اسلامی، کافی و مثرتر نخواهند بود، لذا بانک‌های اسلامی نیز بایستی در جهت گزارش دقیق عملکرد و مشکلات خود به بانک مرکزی و سایر نهادهای تصمیم‌گیرنده و سیاستگذار در عرصه بانکی و مالی تلاش نمایند.

۲- **بازارهای سرمایه:** هنوز هم بسیاری از بازارهای مالی

■ ■ ■
بانک‌های مرکزی کشورهای اسلامی باید با دیدی موشکافانه‌تر و کلی‌تر، به بررسی و کنترل عملکرد بانک‌های اسلامی بپردازند.
■ ■ ■